



یادداشت‌های داروخانه

دکتر فریدون سیامک‌نژاد

مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زینم، با افراد زیادی برخورد می‌گیرم و روبرو می‌شویم که هر کدامش می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفته‌گر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک بهدلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌گیریم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌ای برایمان باشد، یا خاطره‌ای را از زمان‌های دور برایمان زنده کند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌گیریم، بستگی به نوع کاری که داریم، همه‌اش می‌تواند تداعی‌کننده مساله یا احیاناً خاطره‌ای باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها، و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیزی‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کارکردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن، و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد. بنابراین، تصمیم گرفتم تا مسایل بوجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنم. مطالبی که در بی‌می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتاد و چه در نظر آید.

ایشان مسوک جی بیام دادیم که البته آن هم
آمریکایی است.

البته، چون درباره این مسوک هنوز می‌گویندی
وجود ندارد، گرفت و رفت.

• یادداشت ۳ •

خانمی حدوداً سی و پنج ساله بود. با این که
داروخانه نسبتاً شلوغ بود (شلوغی داروخانه سمیه،
یعنی یکی دو نفری در داروخانه هستند)، تا وارد
داروخانه شد از همان دم در سؤال کرد که شیرنان
۳ دارید؟

خیلی عجله داشت و دائم این پا و آن پا می‌کرد.
تکنیسین برای این که کارش را راه بیاندازد
بالا فاصله شیرنان را جلویش گذاشت و به دیگر
بیماران حاضر در داروخانه پرداخت.
خانم قیمت را پرسید و تکنیسین هم در حالی
که مشغول حاضر کردن نسخه‌ای بود، قیمت را به
ایشان اعلام کرد.

نمی‌دانم قیمت را زیاد دید. پول همراهش نبود.
فکر نمی‌کرد قیمت شیر گران شده یا که چی؟
ولی این قدر می‌دانم که با وجود عجله‌ای که داشت
بدون شیر داروخانه را ترک کرد!

• یادداشت ۴ •

در ابتدایی که داروخانه را تأسیس کردیم، یک
عدد آب سردن کن هم داخل داروخانه گذاشتیم و
مردم و مراجعه‌کنندگان از آن استفاده می‌کردند.
چهارسالی آب سردن کن در داروخانه بود. ولی به دلیل
اصراف در مصرف لیوان یک بار مصرف و آب سرد

• یادداشت ۱ •

برای زخم باز یک محلول شستشو می‌خواهم.
بالا فاصله هم عنوان کرد که بتادین یا همان محلول
پوویدون آبوداین ژنریک نباشد. می‌گویند بتادین
نباشد مصرف شود و از رده خارج شده است!

برای ایشان شرح دادم که اولاً این محلول هنوز
هم بهدلیل ترکیب خوبش بعد از بیش از پنجاه سال
بهترین است. در مورد زخمهای وسیع و گسترده
بهدلیل داشتن یُد باید با اختیاط مصرف شود، ولی
برای زخمهای کوچک، بهترین است.

البته، علی‌رغم توضیحی که دادم، ایشان قانع
نشد. برای این که خیالش را راحت کرده باشم یک
محلول ستریمید (نام ژنریک ساولن) به او دادم و
چگونگی کار با آن را هم برایش شرح دادم ولی
باز هم گفتم که قدرت بتادین (پوویدون آبوداین)
بسیار بیشتر از ستریمید است.

• یادداشت ۲ •

خانمی چادری بود و از تکنیسین داروخانه سراغ
مسوک را گرفت. ایشان تعدادی مسوک اورال B
در شکل‌ها و قیمت‌های مختلف از داخل قفسه آورد
و جلوی ایشان قرار داد.

ابتدا کمی مسوک‌ها را وارسی کرد و سپس چنین
عنوان کرد که این مسوک‌ها صهیونیستی است!
تکنیسین هم گفت: به حق چیزهای نشینیده!
کی چنین حرفي زده؟ باز هم مسأله می‌گویند بود
و خانم چادری هم عنوان کرد که خیلی‌ها می‌گویند
مسوک اورال B مال صهیونیست‌ها است!
چون اصرار داشت که مسوک خارجی باشد، به

وبه مریض داد. او نیز قرص را در دهانش گذاشت و یوان آب را هم به لب‌ها گذاشت و تا نه سر کشید. بقیه بلیسترا هم به طرف تکنیسین داروخانه دراز کرد و ضمن تشرک از ایشان، سؤال کرد که مبلغ یک عدد قرصی که خورده است چقدر می‌شود؟!!!

● یادداشت ۶ ●

از تکنیسین داروخانه سراغ قرص یا کپسول مولتی‌ویتامین مینرال را گرفت. در حالی که تکنیسین از داخل قفسه داروخانه برایش می‌آورد، سؤال کرد که آیا این دارو چاق هم می‌کند؟ من وارد بحث شدم و به خانم مراجعت کننده گفتم که چون اصولاً مولتی‌ویتامین‌ها کمی اشتها را زیاد می‌کنند، ممکن است باعث چاقی شوند البته، به شرطی که خوردن غذا کنترل نشود ولی اگر میزان غذا کنترل شود و انسان سعی کند کمتر غذا بخورد، یا وعده‌های غذایی را کم کند، قطعاً اگر ورودی ویتامین‌ها و مواد معدنی هم کم شود با خوردن قرص یا کپسول مولتی‌ویتامین مینرال هم آن کمبودها برطرف می‌شود و هم وزن فرد کنترل می‌گردد.

آب سردکن، عطايش را به لقايش بخشيديم و جمع کرديم و به يك خيريه مستقر در زايل اهدا نموديم. از آن موقعى که آب سردکن را جمع کرديم تقربياً هيچ کس سراغي از آن نگرفت و انگار نه انگار که در اين داروخانه زمانی آب سردکن هم وجود داشته است!

گاهي کسی برای خوردن دارو در داروخانه تقاضای آب می‌کند که از شیر داروخانه ليوانی به او داده می‌شود.

چند روز پيش يكی از مراجعه‌کنندگان سؤال کرد که راستی آب سردکن داروخانه چی شد؟!!!

● یادداشت ۵ ●

ظاهرآ سردرد زیادی داشت. اصلاً روی پایش بند نبود. گاهی دستش روی پیشانی اش بود. گاهی روی سرش و سراغ قرص مسکن را گرفت. بلاfacله روی صندلی داروخانه نشست و تکنیسین داروخانه هم يك ورق قرص مسکن به او داد. مریض يك عدد قرص را از داخل بلیسترا آورد و تقاضای آب کرد. تکنیسین داروخانه از داخل آبدارخانه و از شیر آب آن جا ليوانی پر از آب کرد